

یاد یاران یاد باد

... در آن روزها

در آن روزها که ایران اسلامی در آستانه انقلاب بود،
در آن روزها که مردم ایران با شجاعت و شجاعت خود
بر سر دشمنان و ظالمین ایستادند.

...

احمد شاملو

از آغاز استقرار حاکمیت جمهوری اسلامی در ایران، ارتکاب به جنایت یکی از شیوه های رایج این نظام بوده است که کشتار دهه ۶۰ به ویژه قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان سیاه ۶۷ لکه ننگ ماندگاری بر تارک رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی است.

امسال بیست و هشتمین سالگرد گرامی یاد جانباختگان این فاجعه در شرایطی برگزار می شود که پخش نوار صوتی آیت الله منتظری در گفتگو با "هیات مرگ" در پهنه عمومی بازتاب گسترده ای یافته و دیوار "سکوت مطلق" این فاجعه ننگین را فرو ریخته است.

برای اولین بار در حیات ننگین رژیم، توده های مردم در سطح گسترده ای از کشته شدن چندین هزار زندانی سیاسی در سیاه چال های نظام ولایت فقیه اطلاع یافتند. بدین ترتیب، پس از سال ها ترفند های سرپوش گذاری، کتمان و حاشای آمران و عاملان این جنایات، نقش بر آب شدند.

با انتشار این نوار و مسجل شدن آشکار این جنایات به فرمان «امام امت»، آیت اله خمینی، مجریان که برخی از آن ها هم اکنون در دستگاه سرکوب مسئولیت های مهمی را بر عهده دارند، مجبور به واکنش شده و با بی شرمی، علنا فرمان این فاجعه ملی را به عنوان " خدمت امام " به استقرار نظام اعلام نمودند.

اذعان مقامات رسمی موجب شد که پس از ۲۸ سال، این بار یادمان آزادی خواهان از محدود تلاش های خستگی ناپذیر حافظان این یاد فراتر رفته و فاجعه در سطح جامعه رسماً مطرح شود.

امروزه هرگونه سکوت در مقابل این جنایات هولناک، به منزله توافق ضمنی سیاست های مجریان "فرمان" کشتار جمعی زندانیان سیاسی و به گونه ای چشم پوشی آشکار در پایمال کردن حقوق و آزادی های مسلم مدنی و بشری در ایران است.

بر خلاف انتظار حاکمان مذهبی، به خاک و خون تپیدگان راه آزادی و دموکراسی خفته در خاوران، گوئی ققنوس وار سر از خاک بر می‌کشند و همچون نماد زندی مقاومت و حماسی راستین ایستادگی در نبرد علیه قدرتمندان خودکامه و تمامیت خواه جایگاه والای رهائی و انسانیت را تسخیر می کنند.

امروز بیش از هر زمان تلاش های مذبوحانه رژیم از جمله قبرشکنی، نابودی گورستان خاوران، ممانعت از برگزاری مراسم یادبود، دستگیری و پیگردهای امنیتی افراد خانواده و یاران به خاک و خون افتادگان، جهت به فراموشی سپردن یاد حماسه مقاومت این آزادگان، با شکست محتوم روبرو شده و به رسوائی هر چه بیشتر حاکمان تبدیل گردیده است.

در چنین شرایطی است که عزم و ارادی فداکاران و نگهبانان آزادی خواهی و عدالت طلبی، این ایستادگان به خون و خاک تپیده در دل خانواده ها و یاران آن ها قوت گرفته و فریاد دادخواهی:

«نه فراموش می کنیم و نه می بخشیم!»

در فضای جامعه طنین انداخته است.

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران همصدا و همراه با " مادران خاوران " ها و مبارزان راه رهائی از ظلم و ستم نظام جمهوری اسلامی، یاد این عزیزان را گرامی داشته و در ادامه راهشان برای استقرار آزادی و دموکراسی در ایران تجدید عهد می کند.

• ما مخالف مجازات اعدام و احکام اعدام صادره در بی دادگاه های رژیم هستیم!

• ما خواهان پیگیری و مجازات مجریان "فرمان امام " در دادگاه های صلاحیتدار بین المللی هستیم!

• زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

• بر چیده باد نظام جمهوری اسلامی در ایران!

• برقرار باد جمهوری، دموکراسی و جدائی دولت و دین در ایران!

شورای هماهنگی

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

در باره اعدام های دهه شصت

گفتگوی سیروس ملکوتی با مهرداد درویش پور، مهدی اصلانی و فریدون احمدی

[این برنامه را مشاهده کنید](#)

فراخوان همبستگی جهانی برای آزادی نرگس محمدی

دوستان، همکاران، خواهران و برادران عزیز
نرگس محمدی، نائب رییس و سخنگوی کانون مدافعان حقوق بشر، اخیراً طی حکم جدیدی که به قطعیت نیز رسیده است جمعاً به ۱۶ سال حبس محکوم شده که مدت ۱۰ سال آن لازم الاجرا است.

سازمان ملل برای لغو حکم اعدام در ایران باید به اقدامات جدی تری پردازد

شورای هماهنگی جنبش جمهوریخواهان دمکرات و لائیک ایران

علیرغم همه کوشش هایی که در جهت لغو حکم اعدام در جهان از سوی مخالفان این اقدام ضد بشری صورت می گیرد، اما متأسفانه هنوز کشورهایی هستند که مجازات اعدام را رها نکرده اند و با دست زدن به این اقدام خشونت آمیز در ترویج خشونت بزرگی در جوامع مشارکت می کنند.

قتل حمید حاجیزاده و فرزند ۹ ساله اش

از پرونده قتل‌های زنجیره‌ای

فرشته قاضی

۱۳۷۸ خرداد ۱۳

۱۳۷۸ خرداد ۱۳

۱۳۷۸ خرداد ۱۳

“یک اشتباه ساده” تنها پاسخ وزارت اطلاعات ایران به خانواده حمید و کارون حاجیزاده است. حمید حاجیزاده، شاعر و نویسنده دگراندیش و کارون، کودک ۹ ساله‌اش نیمه شب ۳۱ شهریور ماه ۱۳۷۷ با بیش از ۳۷ ضربه چاقو سلاخی شدند.

به گفته خانواده حاجیزاده “تعداد و نوع ضرباتی که زده بودند به شدت شبیه قتل فروهرها بود، این قدر این ۴ قتل یعنی قتل حمید و کارون حاجیزاده و قتل داریوش و پروانه فروهر شبیه هم بود که انگار یک سناریو بوده، تنها تفاوت این بود که داریوش فروهر را روی صندلی نشاند و حمید چون خانه اش در حال بازسازی بوده و میز و صندلی هم نداشته روی زمین بود، بیشتر ضربه‌ها از قسمت بالای سینه زده شده بود.”

محمد حاجیزاده، برادر حمید حاجیزاده، پنجم بهمن ماه ۱۳۷۸ در نوشته‌ای با عنوان “گزارش یک قتل، کارون در من است امشب” در نشریه پیام هاجر (با مدیرمسئولی اعظم طالقانی که در سال ۱۳۷۹ توقیف شد) توضیح داده:

“پزشکی قانونی تعداد ضربه‌های دشنه فرو رفته در سینه برادر را ۲۷ از زیر گلو تا زیر ناف و ضربه وارده به سینه کارون را بالغ بر ده ضربه دانسته بود. آثار ضربه سخت و مشت در سر و صورت، پارگی قلب و ریه و دستگاه گوارش، بریده شدن انگشتان دست راست حمید تا روی

پوست... بنا به نظریزشک قانونی با هر ضربه کارد، حمید تیغه چاقو را می‌گرفته، قاتل می‌کشیده و برای باری دیگر فرو می‌کرده که منجر به این گردیده که کف دست بشود پر از شیارهای عمیق شقاوت... کسانی که در غسالخانه حضور داشته‌اند و یا جسد کارون را دیده‌اند از جای آثار نیش چاقو بر روی گوش، صورت و پشت کارون گفته‌اند که باید این آثار قبل از پاره پاره کردن سینه، قلب و شکم کارون روی داده باشد. صحنه قتل به دقت نظامی گونه و استادانه طراحی گردیده بود. اگر چه پس از دو سه روز، هم ما قضیه را فهمیده بودیم و هم آگاهی."



کارون و حمید حاجزاده

"از همان ابتدا مشخص بود که قتل عادی نیست"

حمید پورحاجزاده معروف به حمید حاجزاده و فرزندش کارون، قربانی قتل‌های سیاسی سال ۱۳۷۷ در ایران هستند که در پاییز همین سال با عنوان قتل‌های زنجیره‌ای خبرساز شد. او در آخرین شب تابستان ۱۳۷۷ در کرمان و در ۴۹ سالگی با ۲۷ ضربه چاقو در حالی به قتل رسید که همزمان ۱۰ ضربه چاقو بر پیکر پسر ۹ ساله اش کارون نشست.

آقای حاجزاده، دبیر ادبیات، نویسنده و شاعر با تخلص "سحر" بود و کتاب‌های "کنکاش نامه افیون"، "کولی عاشق نمی‌شود"، "کارون در من است"، "آرایه‌های ادبی"، "سرود گمشده و واژه یابی چند"، از جمله آثار او هستند که پیش از به قتل رسیدن‌اش منتشر شده‌اند.

فرخنده حاجزاده، خواهر حمید حاجزاده می‌گوید: "از همان ابتدا مشخص بود که قتل عادی نیست هر چند می‌گفتند قتل شخصی بوده، خود ما هم که زیاد هنوز نمی‌دانستیم مسئله چیست دنبال انگیزه و قاتل می‌گشتیم اما رئیس اداره آگاهی کرمان می‌گفت: این قتل عادی نیست. بازپرس پرونده می‌گفت: این قتل انگیزه‌ای به بزرگی چنار می‌خواهد."

وزارت اطلاعات: یک اشتباه ساده

وزارت اطلاعات و حکومت ایران مسولیت قتل حمید و کارون حاجزاده را برعهده نگرفتند و پرونده قتل‌های سیاسی سال ۱۳۷۷ را در ۴ قتل خلاصه کردند. وزارت اطلاعات ایران با انتشار بیانیه‌ای مسئولیت قتل محمد مختاری، محمدجعفر پوینده، داریوش و پروانه فروهر را بر عهده گرفت

اما این مسئولیت را متوجه گروهی از کارکنان "خودسر" این وزارتخانه کرد. بر اساس اعلام خانواده‌های قربانیان، "رسیدگی قضایی به این قتل‌ها یا انجام نشد و یا به بیراهه کشیده شد".

فرخنده حاجزاده درباره پرونده برادر و برادرزاده اش می‌گوید: "تمام این سال‌ها پیگیری‌های ما ادامه داشت، همه جا رفتیم، هر کاری هم توانستیم کردیم، از طرفی هم از سوی وزارت اطلاعات تحت فشار بودیم و احضار و بازجویی می‌شدیم در نهایت هم که گفتند یک اشتباه ساده بوده. یعنی با ضربات چاقو برادر و برادرزاده ام را سلاخی کردند و گفتند اشتباه ساده بوده. چند سال پیش هم در آستان‌[بازنشستگی من، مرا مجبور کردند بنویسم که در قتل برادرم آنها مقصر نبوده اند".

خانم حاجزاده در کتابی با عنوان "من، منصور و آلبرایت" که توسط انتشارات خاوران در پاریس منتشر شده جزئیات قتل حمید و کارون حاجزاده را روایت کرده است. او به دلیل انتشار این کتاب هم بارها احضار و تحت بازجویی قرار گرفته است.

جرم: دگراندیشی

حمید و کارون حاجزاده اما تنها قربانیان قتل‌های زنجیره‌ای نیستند که حکومت حاضر به پذیرش مسولیت قتل آنها نشده است. پیروز دوانی، مجید شریف، ابراهیم زال زاده، حسین برازنده، احمد تفضلی، احمد میرعلایی و دهها روشنفکر و دگراندیش قربانی قتل‌های سیاسی در ایران تا سال ۱۳۷۷ بوده‌اند.

فرخنده حاجزاده، خواهر حمید حاجزاده می‌گوید: "برادر من معلم و شاعر بود، او حقوق می‌خواند که محروم از تحصیل شد، بعد در جریان انقلاب فرهنگی، رفت کرمان و ادبیات خواند، من بعد از قتل برادرم رفتم دانشگاه بهشتی تا ببینم چرا برادرم محروم از تحصیل شده بود؟ اما پرونده‌ای از برادرم وجود نداشت، بعد از این که ادبیات خواند معلم شد اما در دوران معلمی هم او را تبعید کردند، با این که او از کسانی بود که برای پیروزی انقلاب مبارزه کرده بود اما از همان سال‌های اول انقلاب تبعید شد، محروم شد، منزوی شد، این قدر اذیتش کردند و حلقه را بر او تنگتر کردند که برای چاپ آثارش هم دیگر نمی‌رفت، او قربانی اندیشه اش شد، فقط به جرم بیان و به خاطر ابراز اعتقاداتش کشته شد."

کارون ۹ ساله چه گناهی داشت؟

خانم حاجیزاده می‌پرسد: "کارون چه گناهی داشت؟ او فقط ۹ سال داشت، صحنه قتل را برای من بازسازی کردند و نمایندگانی پزشکی قانونی گفت که سه نفر بوده‌اند، حتی چایی هم خورده‌اند، شاید فکر می‌کرده‌اند که کارون بعدها می‌تواند آنها را شناسائی کند، شاید می‌خواستند حمید را بیشتر زجر بدهند، نمی‌دانم".

محمد حاجیزاده، برادر حمید حاجیزاده در گزارشی که در نشریه پیام هاجر در سال ۱۳۷۸ منتشر کرده بود درباره کارون حاجیزاده توضیح داده: "بعضی که (در غسالخانه) به دقت به صورت کارون نگاه کرده‌اند به قول روستایی‌های ما حالت «گرگ پدمک» را در چهره کارون دیده‌اند. اصطلاح «گرگ پدمک» در خصوص روبرو شدن گوسفند با گرگ به کار می‌رود، در این حالت وقتی که گوسفندی به ناگهان گرگ را در مقابل خود می‌بیند چشمهایش از حدقه می‌زند بیرون و هرگونه توان و حرکتی از گوسفند سلب می‌شود، در برابر گرگ می‌ایستد و گرگ راحت او را می‌درد".

و زنجیره ادامه یافت

حمید حاجیزاده اما دو پسر دیگر به نام‌های اروند و ارس داشت که شب قتل پدر و برادرشان خانه نبوده‌اند. اروند حاجیزاده در یادداشتی درباره آن شب که در پانزدهمین سالگرد قتل در رسانه‌ها منتشر شد نوشته است: "در را که باز کردم و وارد شدیم، برای اولین بار بود که فهمیدم خون و چاقو و خنجر چه معنایی می‌دهند. اما مگر می‌شد بابا را با آن سینه پاره پاره شده دید؟ پای برهنه و با آجری در دست تمام همسایه‌ها را بیدار کردم. پلیس و سرباز و خون و چاقو و گریه‌های رییس آگاهی که مادرم گمان برده بود قاتل است و مدام می‌پرسید چرا شوهر و بچه ام را کشتید؟ وقتی از پشت پنجره چشمان باز و سینه و صورت پاره کارون را دیدم فریادم به آسمان بلند شد و فهمیدم که خدا هم روزی می‌میرد. هنوز دلم به حال آن شب ارس می‌سوزد. شوکه شده بود. رد خون را گرفته بود و دور خانه می‌چرخید. حمید که پدرت باشد می‌فهمی ابد هم برای یتیم شدن زود است".

او در این یادداشت توضیح داده: "چند روز بعد از دفن پدر، عمو محمد کنارم نشسته بود و گفت ممکن است قتل پدرت سیاسی باشد و من پرسشگرانه نگاهش می‌کردم. وقتی بازپرس پرونده می‌گفت این قتل انگیزه‌ای به بزرگی چنان می‌خواهد و وقتی سرهنگ پوررضاقلی، رییس وقت آگاهی کرمان در برابر سوال‌های ما سرش را پایین می‌انداخت هنوزم نفهمیده بودیم اصل ماجرا چیست. بیشتر از دوماه از قتل بابا

و کارون گذشته بود که گفتند آقای مختاری مفقود شده. او به مراسم ختم بابا آمده بود. چندین روز بعد هم آقای پوینده ناپدید شد و بعد آقای فروهر و خانم اسکندری کشته شدند. اینجا آخر خط ابهام قتل حمید و کارون پور حاجزاده بود. آن آشفته‌گی و خانه و این بیت غزل بابا حالا دیگر برای من معنای متفاوتی داشت: بر پیکر من نقش شود نقشه ایران / پر خون چو نمایند به خنجر بدنم را".

برگرفته از تارنمای [مکتب‌خانه](#)

اعدام‌های دهه شصت و گسترش جنبش دادخواهی

[این گفتگو را مشاهده کنید](#)

از تروریسم اسلامی تا اسلام‌هراسی

گفتگوی رادیو فردا با مهرداد درویش پور

از حمله با تبر به مسافران قطار تا گلوله باران شهروندان عادی، از بریدن گلوی کشیش ۸۶ ساله تا گرفتن جان ۸۴ نفر زیر چرخ‌های سنگین کامیون... طی هفته‌ها و ماه‌های اخیر، اروپا با حملات خون‌بار پی‌در پی از سوی افراط‌گرایان اسلامی مواجه بوده است.

وجه مشترک حمله‌های اخیر این است که همگی توسط خارجی‌تباران ساکن کشورهای اروپایی صورت گرفته؛ واقعیتی که مقبولیت جناح‌های ضد مهاجری را در افق سیاسی کشورهای غربی افزایش داده است. از یک

سو شماری از رهبران غربی می‌گویند پذیرش مهاجر از کشورهای خطرناک و جنگ‌زده، مسئولیت اخلاقی و انسانی غرب است و از سوی دیگر بسیاری از شهروندان کشورهای غربی و تعدادی از رهبران سیاسی می‌گویند روند مهاجرپذیری به بحران امنیت در کشورهایشان به شکلی کم‌سابقه دامن زده است. راه برون‌رفت از وضعیت فعلی چیست؟ آیا غرب باید به ارزش‌های اخلاقی و سیاست پناه دادن به مهاجران پشت کند و ارزش‌های بشردوستانه را فدای امنیت کند یا بر سر این موازین قاطعانه بایستد؟ در وضعیت فعلی تا چه حد امکان جلوگیری از وقوع حملات از سوی اسلام‌گرایان افراطی وجود دارد؟ این هفته ساعت ششم میزبان مخاطبان رادیو فردا و مهرداد درویش‌پور جامعه‌شناس مقیم سوئد بود.

[این گفتگو را بشنوید](#)